

Paper Type: Original Article

## Relation of Credit Rating, Litigation Risk and Audit Opinion Modification

Hossein Rajabdarri<sup>1,\*</sup>, Razieh Ghorbani<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Department of Accounting Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran; Hosrado@gmail.com.

<sup>2</sup> Department of Accounting, Farabi college, University of Tehran, Qom, Iran; razieh\_ghorbani70@yahoo.com.

**Citation:**



Rajabdarri, H., & Ghorbani, R. (2023). Relation of credit rating, litigation risk and audit opinion modification. *Innovation management and operational strategies*, 4(3), 289-302.

Received: 07/03/2023

Reviewed: 10/06/2023

Revised: 30/07/2023

Accepted: 31/08/2023

### Abstract

**Purpose:** The main objective of the present research is to identify the relationship between credit rating, litigation risks, and audit opinion modification on the companies listed on the Tehran Stock Exchange (TSE).

**Methodology:** The statistical sample of this study includes 158 companies accepted on the Tehran Stock Exchange, which were reviewed from 2017 to 2021. This research is an applied and post-event type. The research hypotheses were tested through logistic regression in version 10 of Eviews software.

**Findings:** The research findings showed that when credit rating increased, litigation risks decreased. Also, a negative and significant relationship exists between credit rating and audit opinion modification.

**Originality/Value:** This study clarifies the role of credit rating in audit reports and litigation risk management and provides new insight into the factors that affect audit opinion modification. These findings have important implications for companies, auditors, and investors in increasing the quality and reliability of financial information. This study also contributes to the development of literature by emphasizing the need for more research on the factors that determine credit rating and their impact on financial reporting.

**Keywords:** Opinion modification, Credit rating, Litigation risks, Adjustment of the auditor's report.



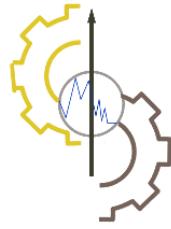
Corresponding Author: Hosrado@gmail.com



[doi.org/10.22105/imos.2023.388800.1264](https://doi.org/10.22105/imos.2023.388800.1264)



Licensee. **Innovation Management & Operational Strategies**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## نوع مقاله: پژوهشی

### رابطه رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس

حسین رجب‌دری<sup>۱</sup>، راضیه قربانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>گروه حسابداری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران.

<sup>۲</sup>گروه حسابداری، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی رابطه بین رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

روش‌شناسی پژوهش: نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۵۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهش از نوع کاربردی و پس‌رویدادی است و فرضیه‌های پژوهش از طریق رگرسیون لجستیک در نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۰ مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که با افزایش رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش می‌یابد. هم‌چنین، بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

اصلات/ ارزش افزوده علمی: این مطالعه نقش رتبه اعتباری در گزارش حسابرسی و مدیریت ریسک اقامه دعوا را روشن می‌سازد و بینش جدیدی در مورد عواملی که بر اصلاح نظر حسابرسی تاثیر می‌گذارند، ارایه می‌دهد. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای شرکت‌ها، حسابرسان و سرمایه‌گذاران در افزایش کیفیت و قابلیت اطمینان اطلاعات مالی دارد. این مطالعه هم‌چنین، با تأکید بر نیاز به پژوهش‌های بیشتر در مورد عوامل تعیین‌کننده رتبه اعتباری و تاثیر آن‌ها بر گزارشگری مالی، به توسعه ادبیات کمک می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** تعدیل اظهارنظر، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس، رتبه اعتباری، تعدیل گزارش حسابرس.

## ۱- مقدمه

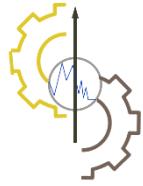
رتبه اعتباری نقش مهمی در بازارهای پول و سرمایه بازی می‌کند. دو نوع رتبه‌بندی اعتباری شامل رتبه‌بندی اوراق بهادار و رتبه‌بندی شرکت‌ها وجود دارد. معیار رتبه‌بندی اوراق، احتمال تاخیر در پرداخت اوراق است، اما رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها ارزیابی بی‌طرفانه‌ای از وضعیت کلی اعتباری شرکت را نشان می‌دهد و بیانگر اظهارنظر عینی، خارجی و مستقل در خصوص توانایی شرکت در ایفای کامل و به موقع همه تعهدات است [1].

رتبه اعتباری شرکت‌ها از یک سو تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را به عنوان استفاده‌کنندگان اصلی شرکت‌ها تسهیل می‌بخشد و از سوی دیگر به کاهش هزینه سرمایه‌شرکت‌های دارای صلاحیت اعتباری و شرایط مناسب مالی منجر می‌شود [2]. در واقع، محیط در حال رشد و بسیار رقابتی پیرامون بنگاه‌های اقتصادی، آن‌ها را وادار می‌سازد که برای ادامه حیات با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی رقابت کنند و فعالیت‌های خود را از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید گسترش دهند؛ بنابراین، بنگاه‌های اقتصادی، عموماً از دو جنبه نگران

\* نویسنده مسئول

Hosrado@gmail.com





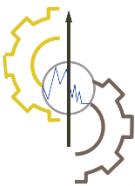
وضعیت اعتباری خود هستند: ۱- مبادا در پرداخت اصل و فرع بدھی ها ناتوان مانده و با بحران مالی روبرو شوند و ۲- مبادا تصمیم های اعتباری امروز بنگاه، انعطاف پذیری مالی فردای آنان را با خطر مواجه کند. بحث مربوط به وضعیت اعتباری، نه تنها برای بنگاه های اقتصادی، بلکه برای سایر ذی نفعان آن ها، از جمله بستانکاران و سرمایه گذاران فعلی نیز با اهمیت است؛ هم چنین، اعتبار دهنگان و سرمایه گذاران بالقوه از وضعیت اعتباری بنگاه های اقتصادی غافل نخواهند بود [3].

اقامه دعوا علیه حسابرس، به مواردی که منجر به اقامه دعوا علیه حسابرس ناشی از فعالیت های حسابرسی شود، تعریف می شود [4],[5]. همان گونه که آمارهای ارایه شده این مساله را تایید می کند، در سال های گذشته شکایت علیه حسابرسان، به یکی از اساسی ترین مشکلات حسابرسان تبدیل شده است. برای نمونه، در آمریکا مش موسسه بزرگ حسابرسی در سال ۱۹۸۳ با سه شکایت مواجه بوده اند، در حالی که این مساله در سال ۱۹۹۳ به ۲۱۰ مورد رسیده است. بنا به گزارش این شش موسسه، مبلغ هایی که آن ها بابت خسارت، کاهش شکایت های احتمالی و حفظ اعتبار خود پرداخت کرده اند، از ۲/۶٪ کل درآمد در سال ۱۹۸۳ به ۱۲٪ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است [6]. یافته های دیگری نیز گزارش کرده است که میزان دادخواهی علیه حسابرسان در آمریکا از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۹۴ ۳۰۰٪ افزایش یافته است [7]. بر اساس گزارش مرکز کیفیت حسابرسی خسارت های پرداختی توسط حسابرسان آمریکایی بابت اقامه دعوا علیه آن ها در ۳۶۲ مورد جمعاً به مبلغ ۵/۶۶ میلیارد دلار بوده است [8]. هم چنین، ۱۴۷ مورد ادعای خسارت علیه حسابرسان وجود داشته و هر کدام حداقل ۱۰۰ میلیون دلار ادعای خسارت کرده اند که در مجموع نزدیک به ۲۱۰ میلیارد دلار است. در دیگر کشورهای توسعه یافته نیز این روند حالت صعودی داشته است. برای نمونه، بر اساس گزارش مجله ICAEW، اقامه دعوا علیه حسابرسان در انگلیس نیز در حال افزایش است [9]. در ایران هر چند آمار رسمی در خصوص اقامه دعوا علیه حسابرسان در دسترس نیست، اما شواهد تقلیل حاکی از آن است که در سال های اخیر میزان شکایت علیه حسابرسان افزایش یافته است [10]. در این زمینه، اقامه دعوا علیه حسابرسان افزون بر تحمیل خسارت های هنگفت به صورت مستقیم، هزینه های غیر مستقیمی نیز بر حسابرسان و حرفه تحمیل می کند. اقامه دعوا از سوی استفاده کنندگان گزارش حسابرسی نه تنها منجر به تحمیل هزینه بر شخص حسابرس می شود، بلکه آسیب شدیدی بر اعتبار حرفه نیز وارد می کند. این پیامدهای ناگوار، این مساله را تبدیل به یکی از اساسی ترین دغدغه های جامعه حسابرسی کرده است. به گونه ای که حسابرسان همواره تلاش می کنند تا به گونه مدام این ریسک را ارزیابی کنند و تدابیر لازم را برای در امان ماندن از گزند آن اتخاذ نمایند [10].

وظیفه بسیار مهم ارزیابی اعتبار اطلاعات مالی واحدهای اقتصادی در جوامع مختلف به حسابرسان مستقل محول شده است. حسابرسان مستقل این امر را با ارایه اظهار نظر نسبت به اطلاعات مالی در قالب گزارش حسابرسی به انجام می رسانند. نحوه ارایه اظهار نظر به شکل مشخصی است که عموماً مفهوم آن تا حد زیادی برای همه استفاده کنندگان از جمله اعتبار دهنگان روش است. از آن جا که متقاضی اعتبار، وضعیت خود را با کمک سیستم گزارشگری مالی به بانک ارایه می نماید، نقش حسابرسی مستقل در ارزیابی اعتبار این گزارش ها کاملاً مشهود است [11]. در واقع، سرمایه گذاران به اطلاعات مفید برای اطمینان از این می سرمایه گذاری خود نیاز دارند. نظرهای حسابرسان و رتبه اعتباری شرکت ها به سرمایه گذاران این علامت را می دهد و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران می شود. در حالی که حسابرسان در مورد قابلیت اطمینان صورت های مالی اظهار نظر خود را اعلام می کنند، موسسه های رتبه بندی اعتباری در مورد ارزش اعتباری یک شرکت، نظر خود را در قالب رتبه اعتباری بیان می کنند.

حسابرسان باید تعهد دهنده و جایگاه خود را در ارایه اطلاعات مرتبط و قابل اعتماد تضمین کنند. آن ها باید یک راهنمای بالقوه برای سرمایه گذاران در تصمیم گیری خود باشند؛ بنابراین، نظر حسابرسی باید هم راستا با جایگاه رتبه اعتباری باشد [12]. رتبه اعتباری علامت هایی هشدار دهنده به همراه دارد و می تواند عدم قطعیت حسابرسان را کاهش دهد و به این ترتیب، بر اظهار نظر حسابرس اثرگذار باشد [13],[14].

با توجه به مبانی نظری موجود، این انتظار وجود دارد که رتبه اعتباری بر اظهار نظر حسابرسان و به ویژه خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهار نظر حسابرس موثر باشد، درنتیجه، هدف این پژوهش بررسی رابطه رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهار نظر حسابرس است. سوال این پژوهش را می توان به این صورت مطرح نمود که آیا بین رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد؟ در صورتی که این رابطه ها وجود دارد شدت آن به چه میزان است و جهت آن به چه سمتی است؟



از آن جا که انواع مختلف اظهارنظرهای حسابرس می‌تواند برای تصمیم‌گیری استفاده کنندگان دارای اهمیت باشد، یافته‌های این پژوهش می‌تواند از این لحاظ دارای ارزش افزوده و دانش افزایی باشد؛ هم‌چنین، در راستای توسعه ادبیات رتبه تجاری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهارنظر حسابرس نیز یافته‌های این پژوهش ارزشمند خواهد بود. در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش و سپس، روش پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری آورده خواهد شد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رتبه اعتباری، اظهارنظر در خصوصی توانایی و تمایل شرکت جهت ایفای تعهداتی مالی به‌طور کامل و به موقع را نشان می‌دهد [15]. رتبه اعتباری فاصله بین قرض گیرندگان و قرض دهنده‌گان را کاهش می‌دهد، زیرا نیازهای هر دو طرف را برآورده می‌کند. برآورده کردن این نیازها، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهینه را در مورد سرمایه‌گذاران و تصمیم‌های انتشار بهینه را در مورد قرض گیرندگان تسهیل می‌بخشد. رتبه اعتباری برای سرمایه‌گذاران هزینه اطلاعات و برای شرکت‌ها، هزینه دسترسی به بازار را کاهش می‌دهد [12]. مساله مهمی که در رتبه اعتباری نیاز به توجه دارد، «عدم تقارن اطلاعاتی» است. یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه حقوق سرمایه‌گذاران، ندانستن آن چیزی است که در شرکت روی می‌دهد، یعنی عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده کنندگان برونو سازمانی و افرادی که در درون سازمانی که عملیات شرکت را کنترل می‌کنند. به این صورت، رتبه اعتباری به جریان کمبود اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران کمک می‌کند و به ارزش اقتصادی می‌افزاید [16]. به بیان دیگر، انتظار می‌رود موسسه‌های رتبه‌بندی به تخصیص کاراتر منابع در اقتصاد کمک کنند [17]. چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه نمایندگی و نظریه علامت‌دهی استوار است. درواقع، این بخش نقش این نظریه‌ها را در توضیح رابطه بین رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهارنظر حسابرس را نمایان می‌کند.

### ۱- نظریه نمایندگی

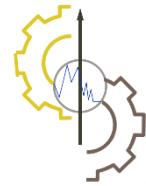
نقش حسابرسان ارزیابی گزارش‌های تهیه شده توسط مدیران و بررسی مطابقت آن با اصول حسابداری است [18]. گزارش حسابرسی و رتبه اعتباری شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران علامت می‌دهد و می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد. در این راستا، حسابرسان نقش مهمی در کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران ایفا می‌کنند. آن‌ها با اظهارنظر مستقل خود می‌توانند اطلاعات قابل اطمینانی برای ذینفعان مختلف به همراه داشته باشند [12].

بر اساس نظریه نمایندگی، به دلیل تضاد منافع میان مدیر و مالک، مالکان در پی انعقاد قراردادهایی در جهت کمینه نمودن این تضاد منافع هستند [19]. مدیران روش‌هایی را انتخاب می‌کنند که عملکرد مالی شرکت را بیشتر ارزیابی کند تا میزان پاداش خود را افزایش دهند که برخلاف منافع صاحبان سهام است. افزون بر آن، سهامداران و اعتباردهنده‌گان ممکن است منافع متفاوتی داشته باشند که این تضادهای منافع منجر به هزینه‌های نمایندگی می‌شود [20].

حسابرسان مستقل به‌منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی [21] و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران از یکسو و بین وامدهنده‌گان و وام‌گیرنده‌گان از سوی دیگر [22, 23]، منصوب می‌شوند. بر اساس دیدگاه واتس و زیمرمن [24]، از آن جا که حسابرسان به تفکیک مسؤولیت خود بیشتر از بهبود اعتبار صورت‌های مالی علاقه‌مند هستند، بیشتر نگران منافع مدیران نسبت به سرمایه‌گذاران هستند. هم‌چنین، سیگنال‌های ارسال شده توسط رتبه اعتباری، رفتارهای فرصت‌طلبانه حسابرس را کاهش می‌دهد و او را تشویق به انتشار اظهارنظر قابل اعتمادتر می‌کند که برای حفظ جایگاه خود و مصونیت قضایی و کاهش خطر اقامه دعوا نیز مفید است [12].

### ۲- نظریه علامت‌دهی

افراد درون سازمانی مانند مدیران، اطلاعات خصوصی بیشتری نسبت به افراد برونو سازمانی دارند [25]. با توجه به مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی، سهامداران اطلاعات را از واسطه‌ها (به عنوان نمونه حسابرسان مستقل، رتبه اعتباری شرکت و تحلیل‌گران مالی) درخواست می‌کنند؛ بنابراین، کاربران به یک فرد خارجی متکی هستند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا اطمینان از صحبت اطلاعات ارایه شده توسط مدیران را تضمین کند [12]. درنتیجه، سرمایه‌گذاران مایل به استفاده از خدمات حسابرسان برای ارزیابی قابلیت اطمینان و اعتبار گزارشگری مالی هستند [26].



حسابرس، یک عنصر مهم در نظریه علامت‌دهی است، زیرا نظر او برای کاربران صورت‌های مالی بسیار مهم است [27]. به گونه مشابه، مدیران نیز اطلاعات و علامت‌هایی را برای شرکت‌کنندگان در بازار ارسال می‌کنند [25]. اگرچه سیگنال‌های ارایه‌شده توسط مدیر و حسابرس ممکن است متقاض باشد. درنتیجه، حسابرسان با تعدل اظهارنظر حسابرس، استقلال و مشارکت خود را تضمین می‌کنند [12]. افزون بر این، رتبه اعتباری شرکت‌ها، سیگنال‌هایی برای سرمایه‌گذاران ارسال می‌کند و می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد [28]. از آن‌جا که سطح رتبه اعتباری، ریسک شرکت را ارزیابی و علامت‌هایی را به سرمایه‌گذاران ارسال می‌کند، برای حسابرسان نیز سطح رتبه اعتباری می‌توانند نشانه مخاطرات کسب‌وکار مانند خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان باشد و بنابراین، باعث می‌شود محافظه‌کارتر رفتار کنند [13]. درنتیجه، رتبه اعتباری سیگنال‌هایی برای حسابرسان به همراه دارد و می‌تواند به آن‌ها در ارایه اظهارنظر بهتر کمک کند [14].

### ۲-۳- توسعه فرضیه‌های پژوهش

چا و همکاران [29] در پژوهشی رابطه رتبه اعتباری و تعدل اظهارنظر حسابرس ناشی از تداوم فعالیت را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که موردمطالعه قرار داده و دریافتند که رابطه منفی و معناداری بین رتبه اعتباری و تعدل اظهارنظر حسابرس ناشی از تداوم فعالیت وجود دارد. افزون بر این، فلدمن و رید [14] رابطه رتبه اعتباری و اظهارنظر حسابرس پیرامون تداوم فعالیت را در ایالات متحده آمریکا بررسی نموده و دریافتند که شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین، احتمال بیشتری دارد که اظهارنظری در مورد تداوم فعالیت دریافت کنند. فانکه [13] نیز در پژوهشی دریافت که رتبه اعتباری بر تضمیم حسابرس تاثیر می‌گذارد، زیرا حاوی اطلاعاتی است که اجازه می‌دهد تضمیم‌های واضح‌تر و دقیق‌تری به دست آورند. گزارش حسابرسی اطلاعات زیادی شامل قابلیت اطمینان و کیفیت داده‌های مالی به استفاده‌کنندگان منتقل می‌کند [30]. هم‌چنین، حسابرسان در گزارش‌های خود مواردی را آشکار می‌کنند که ممکن است وضعیت اقتصادی آینده را نشان دهد [20].

سطح رتبه اعتباری شرکت می‌توانند تجربه و تخصص در ارزیابی ارزش و اعتبار شرکت را توسعه دهد [31]. رتبه اعتباری بر هزینه بدھی شرکت، ساختار مالی و حتی توانایی آن برای ادامه فعالیت تاثیر می‌گذارد [32]. نقش اصلی رتبه اعتباری این است که عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان در مورد ارزش اقتصادی شرکت و احتمال تنگی مالی را کاهش دهد [33]. ازاین‌رو، عدم تقارن اطلاعاتی بین دو طرف را کاهش می‌دهد [34]. رتبه اعتباری اطلاعات مهم و مفیدی به بازار ارایه می‌دهد [35]. درنتیجه، رتبه اعتباری می‌تواند عدم قطعیت را برای حسابرسان کاهش دهد و می‌توانند در ارایه نظر به حسابرسان کمک کنند [13]. با این وجود، صدور اظهارنظر توسط حسابرس برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین منجر به خطر اقامه دعوای بیشتری علیه حسابرسان می‌شود [14].

فرضیه ۱- بین رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. حسابرسان انگیزه بیشتری برای صدور اظهارنظر تعدل شده برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین به دلیل حفاظت از اعتبار و اطمینان بیشتر نسبت به اظهارنظر خود دارند [14]. حسابرسان به منظور محافظت از شهرت خود، تشویق می‌شوند که نظر خود را مطابق با سیگنال‌های ارسال شده توسط سطح رتبه اعتباری منتشر کنند. رتبه اعتباری اطلاعات مفیدی برای حسابرسان به همراه دارد و تعدل اظهارنظر حسابرس را کاهش می‌دهد؛ درنتیجه، رتبه اعتباری پایین یا کاهش در رتبه اعتباری با احتمال زیادی با صدور یک گزارش حسابرسی تعدل شده همراه است [13].

فرضیه ۲- بین رتبه اعتباری و تعدل اظهارنظر حسابرس، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

### ۳- پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش در میان پژوهشگران داخلی نشان داد که برای نمونه، وظیفه‌دست و همکاران [36] آزمون تاثیر عوامل راهبری شرکتی بر رتبه اعتباری در قالب مدل امتیاز بازار نوظهور را بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد که از بین عوامل راهبری شرکتی، صرفاً عوامل مرتبط با حقوق سهامداران رابطه مثبت و معناداری با رتبه اعتباری دارد؛ اما در ترکیب عوامل مزبور با سایر عوامل که در مجموع ساختار حاکمیتی شرکت را تشکیل می‌دهد، شواهدی پیرامون تاثیرگذاری بر رتبه اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مشاهده نشد. شعری و همکاران [37] نیز دریافتند که بین جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی و رتبه اعتباری رابطه معنی‌داری وجود ندارد، اما هزینه‌های تولید غیرعادی و مخارج اختیاری غیرعادی در سطح اطمینان ۹۵٪، رابطه منفی و معناداری با رتبه اعتباری شرکت‌های



پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. هم‌چنین، ابراهیم‌زاده و سعیدی [38] دریافتند که سازوکار مدیریت ریسک اعتباری با ارایه تخمین‌های قابل‌اتکا از رتبه اعتباری موجب می‌شود تخمین ذخایر از حالت تجربی و محافظه‌کارانه خارج شود که چنین وضعیتی به کاهش مقدار ذخایر و افزایش دقت تخمین‌ها منجر می‌شود. علی‌اکبری و وفقی [5] نیز دریافتند که رابطه مستقیم و معناداری بین سطح فناوری اطلاعات و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس وجود دارد و هم‌چنین، متغیر کیفیت حسابرسی با ضریب مثبت نقش تعديل‌کننده‌گی مستقیم و معناداری بر رابطه بین سطح فناوری اطلاعات و احتمال خطر اقامه دعوا علیه حسابرس دارد. افزون بر آن، مشاهده شد که تخصص حسابرس بر رابطه بین سطح فناوری اطلاعات و احتمال خطر اقامه دعوا علیه حسابرس اثر معناداری ندارد.

بررسی پیشینه پژوهش‌های خارجی نیز نشان داد که برای نمونه، وانگ و یانگ [39] دریافتند که نوآوری یک مکانیسم مهم برای رشد اقتصادی است که باعث افزایش رتبه اعتباری در توسعه اقتصادی می‌شود. معلا و بایل [12] نیز دریافتند که با افزایش رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهارنظر حسابرس کاهش می‌یابد. هی و شی [40] دریافتند که هر چه ریسک اقامه دعوا در شرکت بالاتر باشد، سطح عملکرد شرکت پایین‌تر است. هر چه سطح کنترل داخلی و پیگیری تحلیلگران بالاتر باشد نیز تاثیر ریسک اقامه دعوا بر عملکرد شرکت کاهش می‌یابد. اثر میانجی نشان می‌دهد که ریسک اقامه دعوا از طریق توانایی تامین مالی بدھی شرکت به طور منفی به عملکرد شرکت منتقل می‌شود.

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد اگرچه در این زمینه پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته و به یافته‌های مفیدی نیز دست یافته است، اما تاکنون در کشور هیچ پژوهشی به بررسی رابطه رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهارنظر حسابرس نپرداخته است. درنتیجه، لازم است این مساله مورد آزمون تجربی قرار گیرد تا بتوان بر اساس یافته‌ها برنامه‌ریزی‌های بهتری انجام داد.

#### ۴- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که در آن از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده شده و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهشی از قبل تعیین شده، انجام شده است. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از روش‌های آماری استفاده می‌شود.

##### ۴-۱- متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از سه دسته متغیرهای وابسته (خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهارنظر حسابرس)، مستقل (رتبه اعتباری) و کنترلی (در فرضیه ۱) پژوهش شامل نوسان بازده سهام، عملکرد و تمرکز مالکیت و در فرضیه (۲) پژوهش شامل اندازه موسسه حسابرسی، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، تخصص کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی) به شرح زیر استفاده شد.

##### خطر اقامه دعوا علیه حسابسان

چون خطر اقامه دعوا علیه حسابرس با عوامل زیادی مرتبط است، لذا لازم است از یک الگوی جامع برای بررسی آن استفاده شود. بر مبنای یافته‌های صورت گرفته مانند شو [6] و به پیروی از پژوهش‌های کریشنا و ژانگ [41] و جبارزاده و همکاران [42]، خطر اقامه دعوا علیه حسابسان به صورت رابطه (۱) بررسی می‌شود

$$LITSCORE = 0.276 * SIZE + 1.153 * INV + 2.075 * REC + 1.251 * ROA + 1.0501 * LEV + 0.301 * GROWTH - 0.371 * RET + 0.235 - 10.049. \quad (1)$$

در این رابطه:

$LITSCORE$ = نمره اقامه دعوا شرکت.

$SIZE$ = لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در پایان سال.

$INV$ = تقسیم موجودی بر مجموع دارایی‌ها پایان سال.

$REC$  = تقسیم حساب‌های دریافتی بر مجموع دارایی‌های پایان سال.

$ROA$  = درآمد خالص در سال که تا میانگین مجموع دارایی‌ها کاهش یافته است.

$LEV =$  تقسیم جمع بدھی ها بر جمع دارایی ها.

*GROWTH* = تغییر در فروش‌ها از سال قبل تا سال جاری تقسیم‌بر فروش‌های سال قبل.

$RET$  = بازده سهام مرکب تا پایان سال و آخرین روز سال مالی:

با استفاده از رابطه (۱)، سال شرکت‌های موردنبررسی به گروه با خطر اقامه دعوا یا بدون خطر اقامه دعوا تقسیم می‌شود. درصورتی که میزان نمره اقامه دعوای یک شرکت بالاتر از میانگین شرکت‌های نمونه باشد در گروه با خطر اقامه دعوا (عدد یک) و درصورتی که میزان نمره اقامه دعوای یک شرکت باشیم تر از میانگین شرکت‌های نمونه باشد، در گ و بدون خطر اقامه دعوا (عدد صفر) قرار خواهد گرفت.

تعدیاً اظهار نظر حسایرس

طبق بند دوم استاندارد حسابرسی ۷۰۵ ایران، به اظهارنظرهای مشروط، مردود و عدم اظهارنظر، اظهارنظرهای تعدیل شده می‌گویند و اظهارنظر مقبول را اظهارنظر تعديل نشده بیان می‌کنند. اگر اظهارنظر حسابرس مقبول باشد (اظهارنظر تعديل نشده) صفر در غیر این صورت پک خواهد بود [12].

### رتیبه اعتباری

در این پژوهش، به منظور سنجش رتبه اعتباری، ابتدا باید امتیاز بازار نو ظهور با استفاده از رابطه (۲) اندازه‌گیری شود [۳۷]

$$EMSS = 3.25 + 6.56X_1 + 3.26X_2 + 6.72X_3 + 1.05X_4. \quad (2)$$

## د، اب، اسطه:

- **X1**: نسبت سرمایه در گردش به مجموع دارایی ها.
- **X2**: نسبت سود ابناشته به مجموع دارایی ها.
- **X3**: نسبت سود قابل از پهرو و مالیات به مجموع دارایی ها.
- **X4**: نسبت ارزش دفتری مجموع حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی ها.

س، از محاسبه امتیاز بازار نو-ظهوه، رتبه اعتباری معادل آن با استفاده از حدول ۱ به دست می‌آید:

شاخص رتبه اعتباری به پیروی از پژوهش شعری و همکاران [37]، متغیری مجازی است که امتیاز تخصیص یافته به رتبه اعتباری را نشان می‌دهد. مقدار این متغیر برای شرکت‌هایی که دارای رتبه AAA هستند، عدد ۷، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های AA+ یا AA یا AA- هستند، عدد ۶، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های A+ یا A یا A- هستند، عدد ۵، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های BBB+ یا BBB یا BBB- هستند، عدد ۴، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌ها BB+ یا BB یا BB- هستند، عدد ۳، برای شرکت‌هایی که دارای رتبه‌های B+ یا B یا B- هستند، عدد ۲ و برای شرکت‌هایی که در منطقه درماندگی مالی (سطح سوداگرانه) قرار دارند (رتبه‌های CCC+ یا CCC یا CCC-)، عدد ۱ است. (D)

جدول ۱ - امتیازدهی رتبه اعتباری [37].

Table 1- Credit rating scoring [37].

رتبه اعتباری معادل	امتیاز بازار نوظهور	سطح رتبه‌بندی شده شرکت‌ها
	سطح سرمایه‌گذاری خوب (منطقه سلامت مالی)	
	$\geq 8.15$	AAA
	7.60-8.15	AA+
	7.30-7.60	AA
	7.00-7.30	AA-
	6.85-7.00	A+
	6.60-6.85	A
	6.40-6.60	A-
	6.25-6.40	BBB+
	5.85-6.25	BBB
	5.65-5.85	BBB-
	5.25-5.65	BB+
	4.95-5.25	BB
	4.75-4.95	BB-
	4.50-4.75	B+
	4.15-4.50	B
	3.75-4.15	B-
	3.20-3.75	CCC+
	2.50-3.20	CCC
	1.75-2.50	CCC-
	$\leq 1.75$	D

۲۹۵

رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تبدیل اظهارنظر حسابرس

قابل ذکر است، شرکت‌هایی که امتیاز ۱ گرفته‌اند، شرکت‌های رتبه‌بندی شده در سطح سوداگرانه (منطقه درمانگی مالی) هستند. شرکت‌هایی که امتیاز ۲ و ۳ گرفته‌اند، شرکت‌های رتبه‌بندی شده در سطح سرمایه‌گذاری پایین (منطقه تردید) هستند. شرکت‌هایی که امتیاز ۴، ۵، ۶ و ۷ گرفته‌اند، شرکت‌های رتبه‌بندی شده در سطح سرمایه‌گذاری خوب (منطقه سلامت مالی) هستند.

### نوسان بازده سهام

آن دسته از شرکت‌هایی که نوسان بازده سهام آن‌ها بیشتر است، فرصت بیشتری را به شاکیان جهت بازیافت کردن زیان خود از طریق نسبت دادن آن به گزارش نادرست حسابرس، فراهم می‌آورد [43]. وی معتقد است با افزایش نوسانات بازده سهام، تعداد سهامداران زیان‌دیده و احتمال تحمیل زیان بر آن‌ها، افزایش‌یافته و این امر باعث افزایش خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان خواهد شد. این متغیر با استفاده از انحراف معیار بازده روزانه سهام به صورت رابطه (۳) تهیه می‌شود [44].

$$\text{var} = \sqrt{\frac{1}{D_{it}-1} \sum_{i=1}^{D_{it}} (R_i - \bar{R})^2}. \quad (3)$$

در آن  $R_i$  بازده روزانه سهام شرکت  $i$  است به گونه‌ای که اگر  $P_t$  قیمت پایانی روز  $t$  باشد، با توجه به رابطه (۴) خواهیم داشت:

$$R_i = \frac{P_t - P_{t-1}}{P_{t-1}}. \quad (4)$$

که تعداد روزهایی از سال  $t$  است که برای آن بازده روزانه سهام شرکت  $i$  محاسبه شده است.

### عملکرد

عملکرد ضعیف می‌تواند منجر به تحریک اشخاص به شکایت علیه حسابرسان شود. در سال‌های اخیر گزارش حسابرسی بر قیمت سهام شرکت و درنتیجه، بر جذب سرمایه‌گذاران بسیار افزایش‌یافته و این امر باعث شده تا موضوع مسئولیت بالقوه حسابرسان در قبال کاهش میزان جذب سرمایه‌گذاران به یک دغدغه اساسی تبدیل شود [8]. یافته‌های دیگر نیز نشان داد در شرکت‌هایی که عملکرد آن‌ها پایین است، احتمال شکایت علیه حسابرسان به گونه زیادی افزایش می‌یابد [45]. برای ارزیابی عملکرد، از نسبت  $Q$  تобیین استفاده شد که بر اساس رابطه (۵) محاسبه می‌شود [46].

$$Q_t = \frac{MVA_t + PS_t + Debt_t}{TAB_t}. \quad (5)$$

در این رابطه:

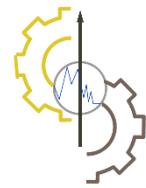
**MVA** - ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی.

**Debt** - مبلغ دفتری مجموع بدھی‌ها.

**PS** - ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ممتاز.

از آن جا که در ایران سهام ممتاز وجود ندارد، لذا در محاسبه، تنها ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی لحاظ می‌شود.

### تمرکز مالکیت



۲۹۶

بررسی اینکه این شرکت‌ها کیا می‌باشند و چه اهمیتی دارند

بر اساس یافته‌های پیشین، شرکت‌های بیمه به پراکنده بودن مالکیت صاحب‌کاران حسابرس توجه کرده و هنگام برآورد میزان خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان، آن را به عنوان یکی از عوامل مهم در نظر می‌گیرند [8]. از این‌رو، گفته می‌شود که با افزایش پراکنده‌گی مالکیت شرکت‌ها، تعداد شاکیان بالقوه حسابرسی افزایش یافته و این امر، منجر به افزایش خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان می‌شود. برای محاسبه تمرکز مالکیت، از شاخص هرفیندال-هیرشمن استفاده شد. شاخص هرفیندال-هیرشمن از جمع توان دوم سهم بازار تمامی بنگاه‌های فعال در صنعت به صورت رابطه (۶) به دست می‌آید [47].

$$HHI = \sum_{i=1}^k S_i^2 \quad (6)$$

در این رابطه:

$K$  = تعداد بنگاه‌های فعال در بازار،

$Si$  = سهم بازار شرکت  $i$  که به وسیله رابطه (۷) به دست می‌آید.

$$S_i = X_i / \sum_{j=1}^n X_j \quad (7)$$

در این رابطه، فروش شرکت  $J$  و  $1$  نشان‌دهنده نوع صنعت است. لازم به ذکر است که این شاخص هرچه بزرگ‌تر باشد، نشان‌دهنده تمرکز بیش‌تر است.

### اندازه موسسه حسابرسی

شرکت‌های بزرگ حسابرسی، در حالت کلی توانایی فنی و تخصص لازم برای انجام ماموریت حسابرسی و برطرف کردن نیازهای مشتریان را در کوتاه‌مدت، دارند. درنتیجه، این انتظار وجود دارد که شرکت‌های بزرگ حسابرسی، خدمات باکیفیت‌تری ارایه دهند تا بتوانند خود را از سایر شرکت‌های حسابرسی متمایز نموده و مشتریان بیش‌تری داشته باشند [48]. درنتیجه، این انتظار وجود دارد که شرکت‌های بزرگ‌تر تعديل اظهارنظر کم‌تری داشته باشند. برای برسی این موضوع نیز سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبردی به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ و سایر موسسه‌های حسابرسی معتمد بورس، به عنوان موسسه‌های کوچک در نظر گرفته شده است. درنتیجه، چنان‌چه سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبردی به عنوان حسابرس شرکت باشد متغیر یک و در غیر این صورت، متغیر صفر در نظر گرفته خواهد شد.

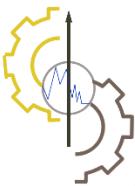
### اندازه هیات مدیره

در ادبیات مربوط به راهبری شرکتی، اندازه هیات مدیره به عنوان سازوکار مرتبطی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند شفافیت اطلاعات را از لحاظ اعتبار و نیز افسای باکیفیت‌تر بهبود بخشد. در این زمینه، هیات مدیره‌های بزرگ‌تر مطلوب‌تر هستند، زیرا میزان تخصص و منابع در دسترس شرکت را افزایش می‌دهند [49]. در مقابل، آرکی و واژکوئز [50] بیان می‌دارند که تعداد محدود اعضای هیات مدیره می‌تواند تبادل افکار بین اعضای هیات مدیره را افزایش داده و انعطاف‌تصمیم‌گیری را بیش‌تر کند. درنتیجه، این انتظار وجود دارد که با افزایش اندازه هیات مدیره، تعديل اظهارنظر حسابرس کاهش یابد. اندازه هیات مدیره توسط تعداد اعضای هیات مدیره نشان داده می‌شود.

### استقلال هیات مدیره

بنا به عقیده فاما و جنسن [51] وجود مدیران مستقل در هیات مدیره می‌تواند تاثیر به سزایی در کارآمدی فعالیت‌های نظارتی هیات مدیره در راستای محدود کردن فرصت‌طلبی مدیران داشته باشد. مدیران مستقل می‌توانند نقشی اساسی در حل مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران داشته باشند. درنتیجه، هیات مدیره با استقلال بیش‌تر می‌تواند موانع لازم برای بهبود گزارش‌دهی مالی شرکت را برطرف کند.

برای نمونه، ساماها و دخاوی [52] بیان می‌دارند که استقلال هیات مدیره، سبب بهبود گزارش دهی شرکت می‌شود. لذا، این انتظار وجود دارد که استقلال هیات مدیره به کارابی حسابرسی کمک کرده و ابزارهای موردنیاز برای بهبود کار حسابرس را در اختیار وی قرار دهد [48] تا بتواند تعديل اظهارنظر کمتری داشته باشد. استقلال هیات مدیره توسط درصد مدیران مستقل در هیات مدیره نشان داده می‌شود.



## تخصص کمیته حسابرسی

۲۹۷

یکی از عوامل مهمی که بیان می‌شود بر شفافیت شرکت تاثیر دارد، فعالیت کمیته حسابرسی است. در گزارش کمیته بلوریبون [53] آمده که یکی از نقش‌های مهم فعالیت‌های نظارتی هیات مدیره، توسط کمیته حسابرسی ایفا می‌شود. مکمل و راگوناندان [54] نیز دریافتند که وجود کمیته حسابرسی از طریق کاهش خطاهای ناهمجایی‌های قابل توجه، به بهبود اطمینان اظهارنامه‌های مالی کمک می‌کند. هم‌چنین، در جلسه کمیته حسابرسی مشکل‌های موجود در فرایند گزارش دهی مالی شناسایی می‌شوند [55]. لذا در صورتی که اعضای حاضر تخصص مرتبط داشته باشند، بهتر می‌توانند مشکل‌ها را حل نموده و اظهارنظر دقیق‌تری ارایه نمایند و از تعديل اظهارنظر خود بکاهند. تخصص اعضای کمیته حسابرسی بیانگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی است که در زمینه حسابداری، حسابرسی و مالی فعالیت دارند و دارای علم و دانش تخصصی هستند [56]. فرد متخصص، فردی است که مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معابر بین‌المللی در امور مالی، حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی، همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی دارد [57].

## استقلال کمیته حسابرسی

بایه زنده اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعديل اظهارنظر حسابرس

بر اساس تئوری نمایندگی، کمیته حسابرسی با دارا بودن درصد بالاتری از مدیران خارجی (غیر موظف) در انجام نقش‌ها و مسئولیت‌های خود، کمتر با خطر مواجه می‌شوند [58]. هم‌چنین، سولانا و همکاران [59] معتقدند که اقدام‌های کمیته حسابرسی با استقلال بیشتر، به احتمال فراوان در راستای بهبود دقت گزارش حسابرسی و کاهش تعديل اظهارنظر حسابرس است. استقلال کمیته حسابرسی یک متغیر دو ارزشی صفر و یک است که اگر نسبت تعداد اعضای هیات مدیره عضو کمیته حسابرسی (به جز اعضای غیر موظف) به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی کمتر از ۰/۵ باشد، بیانگر استقلال نسبی است و مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است [56]. عضو مستقل کمیته حسابرسی عضوی است که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیر مستقیم با سایرین است که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد و موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران شود [57].

## ۴-۲- جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش کل جامعه موردنظر انتخاب شده و سپس با اعمال محدودیت‌های زیر نمونه آماری مشخص شد. برای این منظور، ۵ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را داشته باشد، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است.

۱. شرکت قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۴۰۰ در بورس فعال باشد.
۲. به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت‌های هلدینگ، واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تفاوت زیاد ماهیت آن‌ها با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی، شرکت برگزیده از صنایع پادشاه نباشد.
۳. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به انتهای اسفند باشد و در بازه زمانی موردمطالعه، تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشد.
۴. صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت‌ها در بازه زمانی مذکور به‌گونه‌ای کامل در وب‌گاه بورس اوراق بهادار موجود باشد.
۵. معامله سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.

بر اساس معیارهای بالا، ۱۵۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌شود. لازم به ذکر است که تعداد مشاهده‌های مورد بررسی برای محاسبه متغیرهای و استه، مستقا و کتیلم، ذکر شده، ۷۹۰ سال-شکت است.

## جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش.

**Table 2- Descriptive statistics of research variables.**

نام متغیر	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
خطر اقامه دعوا علیه حسابرسان	-	1	0	-
تعديل اختهار نظر حسابرس	-	1	0	-
رتبه اعتباری	4	7	2	0.2684
نوسان بازده سهام	0.0283	0.0894	0.0031	0.0568
عملکرد	1.2348	1.5571	0.9034	0.2738
تمرکز مالکیت	0.3721	0.9572	0.0071	0.2369
اندازه موسسه حسابرسی	-	1	0	-
اندازه هیات مدیره	5.3360	7	5	0.2246
استقلال هیات مدیره	0.6830	1	0	0.1921
تخصص کمیته حسابرسی	2.3716	7	0	0.8427
استقلال کمیته حسابرسی	-	1	0	-

لازم به ذکر است که با توجه به اسمی بودن متغیرهای خطر اقامه دعواهایی حسابرسان، تغییل اظهارنظر حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی، میانگین و انحراف معیار آن قابل محاسبه نبوده و لذا ازایه نشده است. افزون بر آن، متغیر تمرکز مالکیت نشان دهنده آن است که در شرکت‌های موردنظری به گونه متوسط ۳۷٪ تمرکز مالکیت وجود دارد. هم‌چنین، هیات مدیره نیز در بیش از نصف شرکت‌های موردنظری مستقل بوده است.

## ۲-۵- آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش با توجه به اینکه متغیر وابسته، طبقه‌ای و دارای دو ارزش (صفر و یک) است، از رگرسیون لوگستیک برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. رگرسیون لوگستیک پیش‌شرط‌های انجام رگرسیون خطی مانند وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته، همسانی واریانس متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، توزیع نرمال متغیر وابسته و باقیمانده‌ها یا خطای اندازه‌گیری مدل را نیاز ندارد [60]. از نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۰ برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. **حدول ۳**، بافته‌های مر بوط به آزمون فرضیه (۱) پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳- یافته‌های تخمین الگوهای رگرسیون مربوط به آزمون فرضیه (۱) پژوهش.

**Table 3- Findings of estimation of regression models related to the test of the research hypothesis (2).**

متغیر وابسته: خطر اقامه دعوا عليه حسابرس					
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	Z آماره	معناداری	متغیر
رتبه اعتباری	-1.8996	0.5732	-3.3142	0.0008	0.0008
نوسان بازده سهام	-0.3922	0.2113	-1.8566	0.1283	0.1283
عملکرد	.21680	0.1361	1.5934	0.2033	0.2033
تمرکز مالکیت	-1.1528	0.4039	-2.8543	0.0123	0.0123
مقدار ثابت	0.7854	0.9446	0.8315	0.3456	0.3456
ضریب تعیین	0.4808				
Z آماره	7.4099				
معناداری آماره Z	0.0000				
لگاریتم درست نمایی مقید	-11.7461				

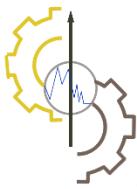
یافته‌های فرضیه (۱) پژوهشی حاصل حاکی از آن است که بین رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش می‌یابد. هم‌چنین، با افزایش تمرکز مالکیت (کاهش پراکندگی) نیز خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش خواهد یافت.

جدول ۴ نیز یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه (۲) پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴- یافته‌های تخمین الگوهای رگرسیون مربوط به آزمون فرضیه (۲) پژوهش.

Table 4- Findings of estimation of regression models related to the test of the hypothesis (2) of the research.

۲۹۹



متغیرها	متغیر وابسته: تعدیل اظهارنظر حسابرس	متغیرها	متغیرها	متغیرها	متغیرها
Z آماره	خطای استاندارد	ضریب	Z آماره	خطای استاندارد	ضریب وابسته: تعدیل اظهارنظر حسابرس
رتبه اعتباری	0.0023	-3.1271	0.9938	-3.1077	0.0023
اندازه موسسه حسابرسی	0.6534	0.9044	0.5414	0.4897	0.6534
اندازه هیاتمدیره	0.2008	-1.3267	0.6022	-0.7989	0.2008
استقلال هیاتمدیره	0.0153	-2.8324	0.8361	-2.3681	0.0153
تخصص کمیته حسابرسی	0.0000	-4.2916	1.3004	-5.5807	0.0000
استقلال کمیته حسابرسی	0.0691	1.8711	0.7532	1.4093	0.0691
مقدار ثابت	0.8661	0.7642	0.4001	0.3057	0.8661
ضریب تعیین			0.4128		
Z آماره			9.1694		
معناداری آماره Z			0.0000		
لگاریتم درست نمایی مقید			-12.3084		

بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس رابطه منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر آن، با افزایش استقلال هیاتمدیره و تخصص کمیته حسابرسی، تعدیل اظهارنظر حسابرس کاهش می‌یابد.

## ۶- نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، رابطه رتبه اعتباری، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس و تعدیل اظهارنظر حسابرس است. بر اساس یافته‌های پژوهش، موارد حاصل از بررسی خودهمبستگی جمله‌های خطاب با استفاده از آماره دوربین واتسون نشان‌دهنده نبود خطای خودهمبستگی است. هم‌چنین، مقدار آماره  $F$  و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه معنادار نبودن کل الگو (صفر بودن تمام ضرایب) رد می‌شود و الگوی رگرسیون برآورده شده در کل معنادار است. از سوی دیگر، بررسی ضریب تعیین تعدیل شده متغیرهای موردبررسی نیز نشان داد که حداقل ۴۸٪ از تغییرهای خطر اقامه دعوا علیه حسابرس را می‌توان با استفاده از رتبه اعتباری تبیین کرد. هم‌چنین، بین رتبه اعتباری و تعدیل اظهارنظر حسابرس نیز رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه (۱) پژوهش به بررسی رابطه رتبه اعتباری و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس پرداخت که رابطه منفی و معناداری مشاهده شد. از آن جا که رتبه اعتباری بر تصمیم حسابرس تاثیر می‌گذارد و حاوی اطلاعاتی است که اجازه می‌دهد استفاده کنندگان اطلاعات واضح‌تر و دقیق‌تری به دست آورند. رتبه اعتباری عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان در مورد ارزش اقتصادی شرکت و احتمال تنگی‌های مالی را کاهش دهد و اطلاعات مهم و مفیدی به بازار ارایه می‌دهد. درنتیجه، رتبه اعتباری می‌توانند عدم قطعیت را برای حسابرسان کاهش دهد و می‌توانند در ارایه نظر به حسابرسان کمک کنند. با توجه به مطالب بیان شده، صدور اظهارنظر توسط حسابرس برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین منجر به خطر اقامه دعوا بیشتری علیه حسابرسان می‌شود. یافته‌های این بخش هم‌سو با یافته‌های فلدمون و رید [14] و ملاع و بایل [12] است. یافته‌های مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده آن است که در فرضیه (۱) پژوهش، بین تمرکز مالکیت و خطر اقامه دعوا علیه حسابرس رابطه منفی و معناداری وجود دارد، زیرا با افزایش تمرکز مالکیت (کاهش پراکندگی)، خطر اقامه دعوا علیه حسابرس کاهش می‌یابد. این یافته هم‌سو با یافته‌های بادرستچر و همکاران [8] است.

در فرضیه (۲) پژوهش نیز مشاهده شد که با افزایش اعتبار تجاری، تعدیل اظهارنظر حسابرسی کاهش می‌یابد. حسابرسان انگیزه بیشتری برای صدور اظهارنظر تعدیل شده برای شرکت‌های با رتبه اعتباری پایین به دلیل حفاظت از اعتبار و اطمینان بیشتر نسبت به اظهارنظر خود دارند. حسابرسان به منظور محافظت از شهرت خود، تشویق می‌شوند که نظر خود را مطابق با سیگنال‌های ارسال شده توسط سطح رتبه اعتباری منتشر کنند. رتبه اعتباری اطلاعات مفیدی برای حسابرسان به همراه دارد و بنابراین، تعدیل اظهارنظر حسابرس را کاهش می‌دهد. درنتیجه، رتبه اعتباری پایین یا کاهش در رتبه اعتباری با احتمال زیادی با صدور یک گزارش حسابرسی تعدیل شده همراه است. یافته‌های این بخش نیز همسو با یافته‌های فلدمان و رید [14]، فانکه [13] و معلا و بایل [12] است.

بررسی متغیرهای کنترلی فرضیه (۲) نیز نشان داد که به افزایش استقلال هیات مدیره، تعدیل اظهارنظر حسابرس کاهش می‌یابد. مدیران مستقل می‌توانند نقشی اساسی در حل مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران داشته باشند و درنتیجه، هیات مدیره با استقلال بیشتر می‌تواند موانع لازم برای بهبود گزارش‌دهی مالی شرکت را برطرف کند و موجب بهبود گزارش‌دهی شرکت و کاهش تعدیل اظهارنظر حسابرس شود. هم‌چنین، با افزایش تخصص کمیته حسابرسی، تعدیل اظهارنظر حسابرس کاهش می‌یابد، زیرا در صورتی که اعضای کمیته حسابرسی تخصص مرتبط داشته باشند، بهتر می‌توانند مشکل‌ها را حل نموده و اظهارنظر دقیق‌تری ارایه نمایند و موجب کاهش اظهارنظر تعدیل شده حسابرس شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود با افزایش تعداد نمونه، موضوع مورد بررسی قرار گیرد؛ هم‌چنین، شرکت‌ها و موسسه‌های حسابرسی در راستای کاهش خطر اقامه دعوا علیه حسابرس، برنامه ریزی‌های بهتری را انجام دهند تا موجب افزایش حیثیت حرفه‌ای نیز شود. هم‌چنین، در راستای دقت در بررسی حسابرسی و تعدل اظهارنظر حسابرس، توجه بیش از پیش به رتبه اعتباری شرکت داشته باشند. هم‌چنین، به نهادهای ناظر مانند بورس اوراق بهادار نیز توصیه می‌شود سازوکار مشخصی برای افشاگری رتبه اعتباری شرکت در نظر گیرد. به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود تا به بررسی ارتباط رتبه اعتباری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، نوع صنعت و ریسک سقوط سهام پردازند تا عوامل متاثر از رتبه اعتباری به صورت بهتری شناسایی شود. این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بوده است که محدودیت در تعداد نمونه و دوره بررسی و کنترل متغیرهایی که دارای اثر بر متغیرهای وابسته داشته‌اند، از این دست عوامل است که در تعمیم یافته‌ها باید به آن توجه نمود.

منابع

- [1] Hwang, R.-C., Chung, H., & Chu, C. K. (2010). Predicting issuer credit ratings using a semiparametric method. *Journal of empirical finance*, 17(1), 120–137.
- [2] Kasra, B. (2011). *Credit rating firms come to the aid of shareholders, a report on capital market transparency*. <https://www.magiran.com/article/2626295>
- [3] Mahmoud Abadi, H., & Ghayouri Moghaddam, A. (2011). Credit rating in terms of financial ability to pay the principle and interest on debts, using data envelopment analysis techniques (case study: companies listed in Tehran stock exchange). *Journal of accounting knowledge*, 2(4), 125-145. (In Persian). DOI: 10.22103/jak.2011.37
- [4] Byrnes, P. E., Ames, B., Vasarhelyi, M. A., & Warren, D. (2015). *The current state of continuous auditing and continuous monitoring*. AICPA (Ed.), audit analytics and continuous audit: looking towards the future, american institute of certified accountants, New York. <http://dx.doi.org/10.2308/jeta-10490>
- [5] Ali Akbari, A., & Vafqi, S. H. (2023). Analyzing the level of information technology on the probability of a lawsuit against the auditor, emphasizing the role of audit quality and auditor expertise. *Journal of judgment and decision making in accounting and auditing*, 1(1), 91-112. (In Persian). <https://doi.org/10.30495/jdaa.2022.691738>
- [6] Shu, S. Z. (2000). Auditor resignations: Clientele effects and legal liability. *Journal of accounting and economics*, 29(2), 173–205.
- [7] Pratt, J., & Stice, J. D. (1994). The effects of client characteristics on auditor litigation risk judgments, required audit evidence, and recommended audit fees. *Accounting review*, 69(4), 639–656.
- [8] Badertscher, B., Jorgensen, B. N., Katz, S. P., & Kinney, Jr., W. R. (2013). Litigation risk and audit pricing: the role of public equity. *SSRN electronic journal*, 52(2), 303–339. DOI: 10.2139/ssrn.2196253
- [9] Seetharaman, A., Gul, F. A., & Lynn, S. G. (2002). Litigation risk and audit fees: Evidence from UK firms cross-listed on US markets. *Journal of accounting and economics*, 33(1), 91–115.
- [10] Ghadimpoor, J., & Dastghir, M. (2016). Investigating the effects of litigation risk factors on audit fee. *Financial accounting research*, 8(4), 37–54.
- [11] Hassas Yeganeh, Y., & Madanie, M. H. (2004). The effect of independent auditor's report on creditor's decision making. *Empirical studies in financial accounting*, 2(6), 113–127.
- [12] Moalla, H., & Baili, R. (2019). Credit ratings and audit opinion: evidence from Tunisia. *Journal of accounting in emerging economies*, 9(1), 103–125.



[13] Funcke, N. (2015). *Credit ratings & the auditor's going-concern opinion: the interplay of information intermediaries' signals* [Phd thesis, Maastricht University]. [https://cris.maastrichtuniversity.nl/ws/portalfiles/portal/31352486/1183975.pdf\\_valorisation.pdf](https://cris.maastrichtuniversity.nl/ws/portalfiles/portal/31352486/1183975.pdf_valorisation.pdf).

[14] Feldmann, D., & Read, W. J. (2013). Going-concern audit opinions for bankrupt companies--impact of credit rating. *Managerial auditing journal*, 28(4), 345–363.

[15] Poor, H. V. (2010). *Guide to credit rating essentials what are credit ratings and how do they work? understanding ratings*. [www.standardandpoors.com/usratingsfees](http://www.standardandpoors.com/usratingsfees).

[16] Langohr, H., & Langohr, P. (2010). *The rating agencies and their credit ratings: what they are, how they work, and why they are relevant*. John Wiley & Sons.

[17] Al-Malkawi, H.-A. N., Pillai, R., & Bhatti, M. I. (2014). Corporate governance practices in emerging markets: The case of GCC countries. *Economic modelling*, 38, 133–141.

[18] Lam, K. C. K., & Mensah, Y. M. (2006). Auditors' decision-making under going-concern uncertainties in low litigation-risk environments: Evidence from Hong Kong. *Journal of accounting and public policy*, 25(6), 706–739.

[19] Mathuva, D. (2015). The determinants of forward-looking disclosures in interim reports for non-financial firms: Evidence from a developing country. *International journal of accounting and financial reporting*, 2(2), 2162–3082.

[20] Firth, M. (1978). Qualified audit reports: their impact on investment decisions. *Accounting review*, 53(3), 642–650.

[21] Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (2019). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. In *Corporate governance* (pp. 77–132). Gower.

[22] Chow, C. W. (1982). The demand for external auditing: Size, debt and ownership influences. *Accounting review*, 57(2), 272–291.

[23] Spathis, C. T. (2003). Audit qualification, firm litigation, and financial information: an empirical analysis in Greece. *International journal of auditing*, 7(1), 71–85.

[24] Watts, R., & J. Zimmerman. (1981). *The market for independence and independent auditors*. <https://urresearch.rochester.edu/institutionalPublicationPublicView.action?institutionalItemId=4475>

[25] Connelly, B. L., Certo, S. T., Ireland, R. D., & Reutzel, C. R. (2011). Signaling theory: A review and assessment. *Journal of management*, 37(1), 39–67.

[26] Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of accounting and economics*, 31(1–3), 405–440.

[27] Butler, M., Leone, A. J., & Willenborg, M. (2004). An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals. *Journal of accounting and economics*, 37(2), 139–165.

[28] Czarnitzki, D., & Kraft, K. (2007). Are credit ratings valuable information? *Applied financial economics*, 17(13), 1061–1070.

[29] Cha, M., Hwang, K., Yeo, Y., & others. (2016). Relationship between audit opinion and credit rating: evidence from Korea. *Journal of applied business research (JABR)*, 32(2), 621–634.

[30] Chen, P. F., He, S., Ma, Z., & Stice, D. (2016). The information role of audit opinions in debt contracting. *Journal of accounting and economics*, 61(1), 121–144.

[31] Raimbourg, P. (2003). The challenges of financial rating. *French management review*, 147(6), 67–76.

[32] Gray, S., Mirkovic, A., & Ragunathan, V. (2006). The determinants of credit ratings: Australian evidence. *Australian journal of management*, 31(2), 333–354.

[33] Adams, M., Burton, B., & Hardwick, P. (2003). The determinants of credit ratings in the United Kingdom insurance industry. *Journal of business finance & accounting*, 30(3–4), 539–572.

[34] Frost, C. A. (2007). Credit rating agencies in capital markets: A review of research evidence on selected criticisms of the agencies. *Journal of accounting, auditing & finance*, 22(3), 469–492.

[35] Pasiouras, F., Gaganis, C., & Zopounidis, C. (2006). The impact of bank regulations, supervision, market structure, and bank characteristics on individual bank ratings: A cross-country analysis. *Review of quantitative finance and accounting*, 27, 403–438.

[36] Vazifehdust, H., Ahmadvand, M., & Sadehvand, M. J. (2016). Examining the effect of corporate governance indicators on credit ratings with regard to the ems model (case study: Tehran stock exchange). *Financial knowledge of securities analysis*, 9(30), 95-113. **(In Persian)**. <https://sanad.iau.ir/journal/jfksa/Article/9199?jid=9199&lang=en>

[37] Sheri, S., Ahmadvand, M., & Larijani, R. (2018). Real activities earnings management and credit ratings. *Empirical research in accounting*, 7(4), 117-145. **(In Persian)**. [https://jera.alzahra.ac.ir/article\\_3069\\_40df0184df96885289b5918d5ac2b636.pdf](https://jera.alzahra.ac.ir/article_3069_40df0184df96885289b5918d5ac2b636.pdf)

[38] Ebrahimzadeh, A., & Saeedi, P. (2017). Analyzing credit risk and its relationship with the credit rating of the company: TP Bin. *Management, accounting and economics quarterly*, 1(3), 70-83. **(In Persian)**. <https://www.tpbm.com/jarticle/3336>

[39] Wang, R., & Yang, S. (2023). Credit ratings and firm innovation: Evidence from sovereign downgrades. *Journal of banking & finance*, 148, 106719. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2022.106719>

[40] He, H., & Shi, W. (2023). Enterprise litigation risk and enterprise performance. *Finance research letters*, 55, 103783. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2023.103783>

[41] Krishnan, J., & Zhang, Y. (2005). Auditor litigation risk and corporate disclosure of quarterly review report. *Auditing: a journal of practice & theory*, 24(s-1), 115–138.

[42] Jabarzadeh Kangarlou, S., Sabzevari, S., & Motevasel, M. (2013). Investigating the relationship between audit quality and filing a lawsuit against the auditor in Tehran Stock Exchange. *Audit knowledge*, 56(14), 69-86. **(In Persian)**. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1327105>

[43] Stice, J. D. (1991). Using financial and market information to identify pre-engagement factors associated with lawsuits against auditors. *Accounting review*, 66(3), 516–533.

[44] Fakhari, H., & Taheri, E. (2011). The study of relationship between institutional investors and stock returns volatility. *Financial accounting research*, 2(4), 159–172.

[45] Lys, T., & Watts, R. L. (1994). Lawsuits against auditors. *Journal of accounting research*, 32, 65. DOI: 10.2307/2491440

[46] Wang, G. Y., & others. (2010). The impacts of free cash flows and agency costs on firm performance. *Journal of service science and management*, 3(4), 408–418.

[47] Chen, J., & Dhiensiri, N. (2009). Determinants of dividend policy: The evidence from New Zealand. *International research journal of finance and economics*, 34, 18–28.

[48] Samaha, K., & Khelif, H. (2017). Audit-related attributes, regulatory reforms and timely disclosure: Further evidence from an emerging market. *Journal of financial reporting and accounting*, 15(2), 158–179.

[49] Hidalgo, R. L., Garcia Meca, E., & Martinez, I. (2011). Corporate governance and intellectual capital disclosure. *Journal of business ethics*, 100, 483–495.

[50] Arcay, M. R. B., & Vázquez, M. F. M. (2005). Corporate characteristics, governance rules and the extent of voluntary disclosure in Spain. *Advances in accounting*, 21, 299–331.

[51] Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and economics*, 26(2), 301–325.

[52] Samaha, K., & Dahawy, K. (2011). An empirical analysis of corporate governance structures and voluntary corporate disclosure in volatile capital markets: The Egyptian experience. *International journal of accounting, auditing and performance evaluation*, 7(1–2), 61–93.

[53] BRC. (1999). *Report and recommendations of the blue ribbon committee (BRC) on improving the effectiveness of corporate audit committees*. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2586836>

[54] McMullen, D. A., & Raghunandan, K. (1996). Enhancing audit committee effectiveness. *Journal of accountancy*, 182(2), 79.

[55] Nor, M. N. M., Shafie, R., & Hussin, W. N. W. (2010). Corporate governance and audit report lag in Malaysia. *Asian academy of management journal of accounting and finance*, 6(2), 57–84.

[56] Othman, R., Ishak, I. F., Arif, S. M. M., & Aris, N. A. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure. *Procedia-social and behavioral sciences*, 145, 330–342.

[57] TSE. (2011). *Charter of audit committee of public joint stock companies: tehran stock exchange (Tse)*. (In Persian). <https://hemattaraz.ir/wp-content/uploads/2019/12/Charter-committee-audit.pdf>

[58] Salehi, M., Oradi, J., & Salari Forg, Z. (2016). Effects of presence of audit committee and its characteristics on audit report. *Journal of accounting knowledge*, 7(26), 59–83. (In Persian). [https://jak.uk.ac.ir/article\\_1532.html](https://jak.uk.ac.ir/article_1532.html)

[59] Sultana, N., Singh, H., & der Zahn, J.-L. M. (2015). Audit committee characteristics and audit report lag. *International journal of auditing*, 19(2), 72–87.

[60] Malekian, E., Ahmadpour, A., & Talebtabar Ahangar, M. (2012). The relationship between some corporate governance, audit fees and meter ownership of companies listed in Tehran stock exchange. *Financial accounting research*, 4(4), 37–50. (In Persian) [https://far.ui.ac.ir/article\\_16963.html](https://far.ui.ac.ir/article_16963.html)

